

(مقاله پژوهشی)

توانمندی سیاسی و رفتارهای محیط‌زیستی زنان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)

نجات محمدی‌فر^{۱*}، علی مرادی^۲

چکیده

هدف اصلی این پژوهش نقش توانمندی سیاسی زنان در رفتارهای محیط‌زیستی آنهاست. روش تحقیق حاضر از لحاظ رویکردی، کمی و از نظر راهبردی و گردآوری داده‌ها، همبستگی و توصیفی از نوع پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است و جامعه آماری زنان شهر کرمانشاه هستند. حجم نمونه ۲۰۰ نفر بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار SPSS و AMOS استفاده شد. براساس یافته‌های پژوهش، توانمندی سیاسی زنان در بُعد انتخاب معنادار، اما در بُعد عاملیت و مشارکت غیرمعنادار و در کل با رفتارهای محیط‌زیستی دارای ارتباط معنادار است. نتایج حاصل از تحلیل متغیرهای زمینه‌ای نیز نشان می‌دهد که گروه‌های سنی، مقطع تحصیلی و وضعیت درآمدی پاسخ‌گویان در میزان رفتارهای محیط‌زیستی زنان تأثیرگذارند. ارتباط بین این مفاهیم نشان می‌دهد که اگر زنان از آزادی‌های مدنی (انتخاب)، تحصیلات و درآمد بیشتری برخوردار باشند، می‌توانند در حفظ محیط‌زیست نقشی مؤثر ایفا کنند. می‌توان استدلال کرد توانمندی سیاسی زنان به خروجی تصمیماتی منجر می‌شود که با منافع دغدغه اجتماعی انسان سازگارتر است و باعث تمایل آنها به اتخاذ برخی سیاست‌های سخت‌گیرانه در تغییر اوضاع برای حفاظت از محیط‌زیست و تحقق توسعه پایدار خواهد شد.

کلیدواژه‌ها

انتخاب، پیمایش، توانمندی سیاسی، عاملیت، کرمانشاه، مشارکت.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران (نویسنده مسئول)

n.mohammadifar@ardakan.ac.ir

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران
moradi.pop@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۳

مقدمه

محیط زیست بخش جدایی ناپذیر زندگی بشر است. تعاملات بین انسان و محیط، که به طور مداوم رخ می دهد، بر رفتار انسان بر محیط زیست تأثیر می گذارد (Hamzah 2013: 43). امروزه رفتار انسانی که به محیط زیست اهمیت نمی دهد و باعث آسیب جهانی به آن می شود مردم را ترغیب می کند تا در تلاش برای کاهش آثار مضر آسیب های محیط زیستی، رفتار خود را تغییر دهند (Gifford & Nilsson 2014: 145). بنابراین، رفتارهای محیط زیستی به منزله بخش جدایی ناپذیر فرهنگ محیط زیستی یکی از موضوعاتی است که در دهه های اخیر به طور فزاینده ای توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است (Kennedy et al. 2015: 221). تحقیقات نشان داده است که مشکلات محیط زیستی (مانند گرم شدن کره زمین، آلودگی هوا، کمبود آب و غیره) در رفتارهای انسانی ریشه دارد (Steg & Vlek 2009; Vlek & Steg 2007; Stern et al. 2016). اگر رفتار مردم مطابق با محیط زیست باشد، مشکلات محیط زیستی نیز کاهش می یابد.

در این میان، با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند، مطالعه رفتارهای محیط زیستی آن ها از اهمیت بسزایی برخوردار است: زنان بیش از مردان بر شرایط محیطی تأثیر می گذارند و تحت تأثیر آن قرار می گیرند؛ نقش مهمی در مدیریت منابع طبیعی مانند منابع آب، غذا، انرژی و غیره دارند (Seager et al. 2016). بیشتر از مردان تحت تأثیر تخریب محیط زیست و پیامدهای آن قرار می گیرند (McCright 2010: 69). بیشتر از مردان برای محیط زیست ابراز نگرانی می کنند (Tranter 2011; Clements 2012) و نه تنها مشکلات محیط زیستی را متفاوت درک می کنند، بلکه نسبت به مردان نیز اقدامات حامی محیط زیست بیشتری نشان می دهند (Ramstetter & Habersack 2020: 1065). زیرا زنان به دلیل نقش های خاص جنسیتی مانند خانه داری، هزینه های تغییرات آب و هوایی را به طور نامتناسبی متحمل می شوند (McCright 2010: 72).

بنابراین، از آنجا که بار کاری زنان اغلب بر مدیریت منابع طبیعی، تنوع زیستی و اکوسیستم ها متمرکز است، تجربیات و چشم اندازهای آن ها برای سیاست گذاری ها و اقدامات توسعه پایدار در هر سطحی ضروری است و از همین منظر است که دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد بان کی مون^۱ در مارس ۲۰۱۰ اعلام کرد بانوان جهان کلید توسعه پایدار، صلح و امنیت اند (Akpabio 2007: 3). از طرف دیگر، شواهد نشان داده است که به طور کلی، داشتن تعداد درخور توجهی از زنان در مناصب قدرت، به خروجی سیاست هایی منجر می شود که با منافع دغدغه اجتماعی انسان سازگارتر است (Lv & Deng 2019: 2). مثلاً، کشورهایی که

1. Ban Ki-moon

سطح بالاتری از مشارکت سیاسی زنان دارند، از فساد کمتر (Swamy et al. 2001: 26-27)، هزینه‌های بیشتر در زمینه آموزش و بهداشت (Halim et al. 2016: 848) و سطح بالاتری از نرخ مشارکت نیروی کار برخوردارند (Lv & Deng 2019: 2)؛ بنابراین، هنگامی که زنان از نظر سیاسی قدرت استفاده از صدا و نفوذ داشته باشند، ممکن است به اتخاذ برخی سیاست‌های سخت‌گیرانه در تغییر اوضاع برای حفاظت از محیط‌زیست و تحقق توسعه پایدار تمایل داشته باشند (Mavisakalyan & Tarverdi 2019: 1).

شهر کرمانشاه در مقایسه با سایر کلان‌شهرهای کشور سیطره سنت‌های فرهنگی و قبیله‌ای نسبتاً بیشتری دارد و فرهنگ اقتدارگرا و مردسالار در آن پُرننگ‌تر است؛ این نگرش فرودستی یا ارباب-رعیتی مردان نسبت به زنان باعث شده جایگاهی شایسته برای زنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی متصور نباشد و آسیب‌پذیری زنان در این سیستم پدرسالاری تشدید شود؛ به گونه‌ای که ممکن است رفاه اجتماعی، اقتصادی و وضعیت اجتماعی آنان نزول کند. شهر کرمانشاه با شرایط فرهنگی ذکرشده و توجه به سنت‌های فرهنگی به‌جامانده، بستری مناسب برای مطالعه توانمندی سیاسی زنان به شمار می‌رود. بنابراین، با توجه به تأثیری که زنان می‌توانند برای بهبود شرایط محیط‌زیستی داشته باشند، شناخت و درک رفتارهای محیط‌زیستی آن‌ها در جامعه و اینکه چه عواملی بر آن تأثیر می‌گذارد مهم است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که توانمندی سیاسی زنان چه تأثیری در رفتارهای محیط‌زیستی آن‌ها دارد؟

پیشینه پژوهش

نیای (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافت که توسعه پایدار در زمینه مسائل محیط‌زیستی فقط با افزایش ظرفیت‌ها و آگاهی‌های زنان در ارتباط با امور محیط‌زیستی، تسهیل مشارکت و همکاری بیشتر آنان در ایفای نقش‌های اجتماعی و افزایش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مدیریتی آنان در سطوحی برابر با مردان میسر خواهد بود. لاهیجانیان و وسکویی (۱۳۹۵) در مطالعه خود ارتباط مثبت و معناداری بین وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان، شناخت و آگاهی محیط‌زیستی زنان، میزان توانمندی زنان در حفاظت از محیط‌زیست و نقش زنان در مدیریت محیط‌زیست را نشان داده‌اند. صالحی و امامقلی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای نشان دادند که هنجارهای فردی و اجتماعی علاوه بر اینکه بر رفتارهای محیط‌زیستی تأثیرگذارند، می‌توانند به کاهش شکاف بین نگرش و رفتار محیط‌زیستی کمک کنند. همچنین، از دیدگاه آن‌ها، هنجارهای جمعی بیشترین تأثیر را بر رفتار محیط‌زیستی دارد. صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۳) بیان می‌کنند که نگرش دانشجویان به محیط‌زیست مثبت بوده، اما به رفتارهای محیط‌زیستی چندان پایبند نبوده‌اند. شبیری و همی (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان

دادند که رفتارهای حامی محیط‌زیست شهروندان شیرازی در حد نسبتاً متوسط و آموزش محیط‌زیستی در حد متوسط به پایین است.

قاسمی^۱ و همکاران (۲۰۲۱) بیان می‌کنند که زنان نقشی اساسی در توسعه و حفاظت از محیط‌زیست بازی می‌کنند که این امر به توانمندسازی آنان بستگی دارد. لو و دنگ (۲۰۱۹) در مطالعه خود تکنیک‌های پانل دیتا را برای بررسی تأثیرات بلندمدت و کوتاه‌مدت توانمندسازی سیاسی زنان بر محیط‌زیست در ۷۲ کشور طی سال‌های ۱۹۷۱-۲۰۱۲ در نظر گرفته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که در درازمدت، در پاسخ به افزایش یک‌واحدی شاخص توانمندسازی سیاسی زنان، انتشار دی‌اکسید کربن حدود ۱۱/۵۱ درصد کاهش می‌یابد. با این حال، ضریب برآوردشده کوتاه‌مدت توانمندسازی سیاسی زنان از نظر آماری ناچیز است. از دیدگاه آن‌ها، مشارکت زنان در جامعه مدنی و به دنبال آن مشارکت سیاسی آن‌ها بیشترین تأثیر را در این زمینه دارد. بایه^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی نشان داد تا زمانی که زنان توانمند نشوند و برابری جنسیتی حاصل نشود آن‌ها قادر نخواهند بود نقش خود را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط‌زیستی ایفا کنند و فقط با مشارکت مردان در این زمینه‌ها توسعه پایدار حاصل نخواهد شد. از این رو، وی خواستار تعهد شدید دولت در زمینه توانمندسازی زنان و استفاده از همه پتانسیل‌های موجود برای ایجاد توسعه پایدار است. مک‌کینی و فولکرسون^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود دریافتند که تخریب منابع و مشکلات محیط‌زیستی بر زنان تأثیر منفی می‌گذارد و نمایندگی آن‌ها در دولت نویدبخش آینده‌ای بهتر برای بهبود محیط‌زیست است. اسکنل و گیفورد^۴ (۲۰۱۳) اظهار داشتند که زنان سطح بالاتری از تعامل با تغییرات آب و هوایی را نسبت به مردان گزارش کردند. گیونز و جورگنسون^۵ (۲۰۱۱) نشان دادند که زنان بیشتر از مردان مراقبت از محیط‌زیست را مهم می‌دانند.

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که در مورد توانمندی زنان و رفتارهای محیط‌زیستی آن‌ها پژوهش‌های زیادی به صورت مستقل انجام شده و هریک به بُعد یا ابعادی از این متغیرها پرداخته‌اند، اما توانمندی سیاسی زنان و نقش آن در رفتارهای محیط‌زیستی موضوع نسبتاً جدیدی است که در ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است در مطالعات خارجی هم فقط یک پژوهش به وسیله لو و دنگ (۲۰۱۹) صورت گرفته که آن هم رابطه بین توانمندی سیاسی زنان و انتشار دی‌اکسید کربن را بررسی کرده است. با توجه به چنین خلای، پژوهش حاضر در تلاش است تا برای نخستین بار مفهوم توانمندی سیاسی زنان به‌عنوان موضوعی جدید و نقش آن در رفتارهای محیط‌زیستی را بررسی کند.

1. Ghasemi
2. Bayeh
3. McKinney & Fulkerson
4. Scannell & Gifford
5. Givens & Jorgenson

ملاحظات نظری

الف) رفتارهای محیط‌زیستی

به انواع رفتارهایی که در دسترس بودن مواد یا انرژی از محیط‌زیست و ساختار و پویایی اکوسیستم‌ها یا زیست‌کره را تغییر می‌دهند رفتار محیط‌زیستی می‌گویند (Steg & Vlek 2009: 29). این رفتار به‌منزله رفتارهای فردی، که به پایداری محیط‌زیست کمک می‌کنند (مانند محدود کردن مصرف انرژی، جلوگیری از اتلاف، بازیافت و فعالیت محیط‌زیستی)، تعریف می‌شود (Mesmer-Magnus et al. 2012: 160). به طور خلاصه، رفتار محیط‌زیستی، رفتاری است که تأثیر درخور توجهی بر محیط‌زیست دارد (Krajhanzl 2010: 252). بر این اساس، از آنجا که مردم به طور مداوم با محیط خود در تعامل‌اند، تقریباً همه رفتارهای انسانی را می‌توان رفتار محیط‌زیستی نامید. برای سنجش رفتار محیط‌زیستی هر فرد می‌توان از شش شاخص استفاده کرد: مصرف بهینه انرژی، مصرف بهینه آب، آلودگی هوا، بازیافت، مصرف‌گرایی و تمایل به رفتارهای سازگار با محیط‌زیست (Kaiser et al. 2007; Huffman et al. 1995).

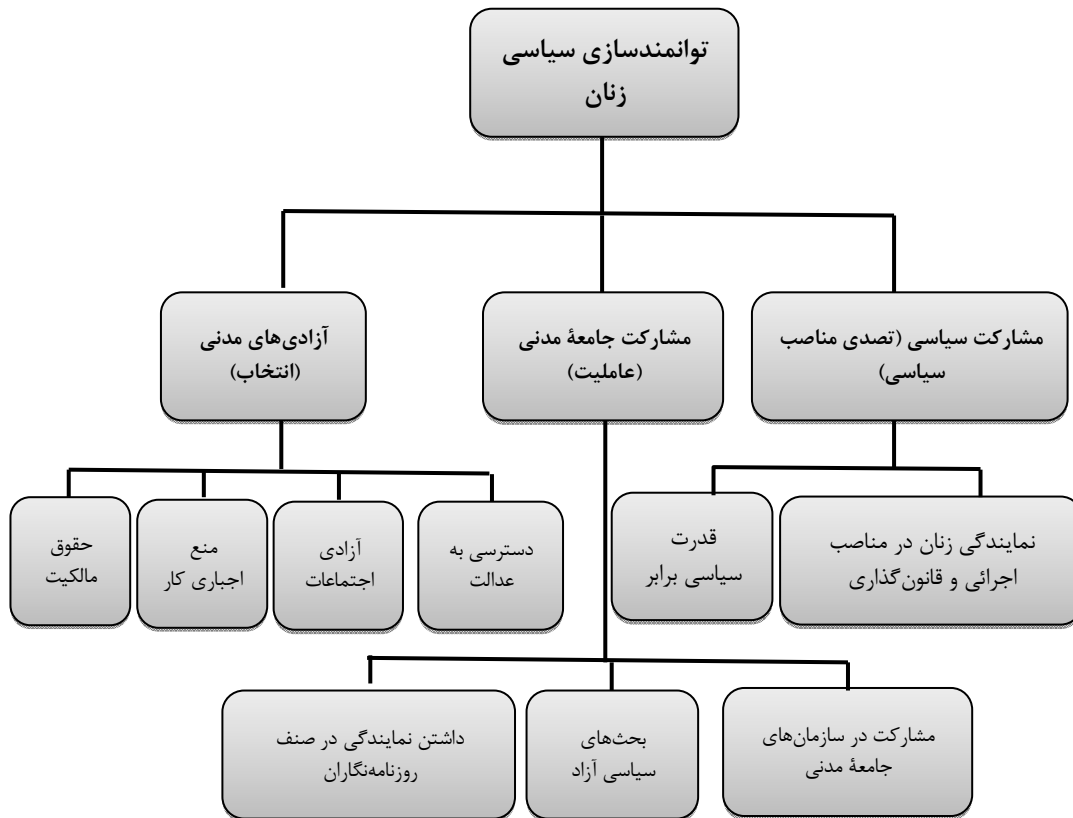
ب) توانمندی سیاسی

توافق کلی در مورد تعریف مفهوم توانمندی وجود ندارد. از دیدگاه آلسوپ و هاینسون (۲۰۰۵) افراد و گروه‌ها فقط زمانی می‌توانند توانمند شوند که قادر به اعمال قدرت و تصمیم‌گیری برای دستیابی به نتایج مطلوب باشند (Alsop & Heinsohn 2005)؛ بنابراین، افراد یا گروه‌های بی‌قدرت مانند زنان غالباً هدف تلاش‌های توانمندسازی قرار می‌گیرند، زیرا از دسترسی به آن محروم‌اند (Kabeer 1999: 437). بر همین اساس، چمبرز (۲۰۱۴) توانمندی را فرایندی تعریف می‌کند که از طریق آن به افراد و به ویژه افراد محروم امکان کنترل بیشتر زندگی خود و تأمین معیشت بهتر با مالکیت دارایی‌ها به‌منزله یکی از عناصر اصلی داده می‌شود (Chambers 1983: 11). لنسو و باسویی (۲۰۱۶) به‌طور کلی توانمندی زنان را فرایندی می‌دانند که موجب تسهیل و ارتقا موقعیت اقتصادی-اجتماعی و سیاسی آنان در جامعه می‌شود (Lenao & Basupi 2016: 54). از دیدگاه برخی از محققان، فرایندها و نتایجی که زیر چتر توانمندسازی سیاسی قرار دارند قوی‌ترین شکل توانمندسازی به حساب می‌آیند (Cunningham et al. 2015; Pratley 2016; Sundstrom et al. 2017; Wallerstein 2006). امروزه توانمندسازی سیاسی زنان به طور فزاینده‌ای برای دولت‌های مدرن بسیار مهم شناخته می‌شود؛ به گونه‌ای که طیف وسیعی از نهادهای بین‌المللی (سازمان ملل، اتحادیه بین‌المجالس، اتحادیه آفریقا، اتحادیه اروپا و غیره) کشورها را ترغیب می‌کنند تا حداقل ۳۰ درصد از مناصب سیاسی را در اختیار زنان قرار دهند (Krook 2006: 114; Towns 2010: 649) و با توجه به گنجاندن نمایندگی سیاسی زنان در

یکی از اهداف توسعه هزاره، توانمندسازی سیاسی زنان در حال حاضر به مسئله‌ای با اولویت بالا در همکاری‌های توسعه بین‌المللی تبدیل شده است (Alexander et al. 2016: 437).

الکساندر و همکاران (۲۰۱۶) توانمندسازی سیاسی زنان را افزایش‌دهنده توانایی‌ها و دستاوردهای زنان برای کسب برابری با مردان در تأثیرگذاری و اعمال قدرت سیاسی در سراسر جهان تعریف می‌کنند (Alexander et al. 2016: 433). ساندستروم و همکاران (۲۰۱۷) توانمندسازی سیاسی زنان را به منزله فرایندی برای افزایش ظرفیت زنان تعریف می‌کنند که به انتخاب، عاملیت و مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی منجر می‌شود (Sundstrom et al. 2017: 326). این تعریف سه رشته اندیشه مهم در مورد توانمندسازی را به خود اختصاص می‌دهد: یک رشته تفکر در مورد توانمندسازی بر توانایی افراد در انتخاب زمینه‌های زندگی خود تأکید می‌کند؛ زنان باید بتوانند علایق و منافع شخصی خود را تعیین کنند و خود را نه تنها قادر، بلکه دارای حق انتخاب بدانند (Malhotra et al. 2002: 6)؛ زنان برای داشتن حق انتخاب و برای اینکه بتوانند در زمینه‌های مهم زندگی روزمره خود تصمیمات معناداری بگیرند، باید از آزادی تحرک، حقوق مالکیت و منع کار اجباری برخوردار باشند و در سیستم قضایی با آن‌ها برابر با مردان رفتار شود (Sundstrom et al. 2017: 326). دومین رشته اندیشه در مورد توانمندسازی، عاملیت است؛ یعنی زنان باید در فرایند تغییر و تحولات جامعه بازیگران مهمی به شمار آیند (Malhotra et al. 2002: 7)؛ به عبارت دیگر، عاملیت یعنی اینکه زنان قادر باشند اهداف خود را تعیین و به آن‌ها عمل نمایند (Kabeer 1999: 438). برای اینکه زنان بتوانند کارگزار باشند و اهداف خود را مشخص کنند، باید از آزادی بحث و گفت‌وگو برخوردار باشند، بتوانند در سازمان‌های جامعه مدنی شرکت کنند و در صنف روزنامه‌نگاران نمایندگی داشته باشند (Sundstrom et al. 2017: 327). خط سوم تفکر در مورد توانمندسازی زنان بر نقش مشارکت سیاسی (تصدی مناصب سیاسی) تأکید دارد؛ مشارکت در سیاست مستلزم حضور وصفی (عددی) در مناصب رسمی سیاسی و سهم برابر در توزیع قدرت است. در این زمینه، کاندیداتوری زنان و انتخاب آن‌ها در کرسی‌های سیاسی، ویژگی اصلی توانمندسازی سیاسی است. ساندستروم و همکاران (۲۰۱۷) شاخص توانمندسازی سیاسی زنان را براساس ارزیابی مؤسسه (V-Dem)^۱ شامل سه بُعد آزادی‌های مدنی، مشارکت جامعه مدنی و مشارکت سیاسی می‌دانند که این ابعاد را با توجه به سه رشته تفکر (انتخاب، عاملیت و مشارکت) در مورد توانمندسازی زنان ترکیب می‌کنند و برای هر بُعد مؤلفه‌های ذیل را در نظر می‌گیرند:

1. Varieties of Democracy



نمودار ۱. شاخصه‌های توانمندسازی سیاسی

نظریه فمینیسم محیط‌زیستی (اکوفمینیسم)

اکوفمینیسم ترکیبی از محیط زیست و فمینیسم است که غلبه انسان بر طبیعت و سرکوب زنان را به هم پیوند داده است. دلیل این پیوند مربوط به رویکرد خاص فمینیست‌ها به طبیعت و تبعات مشکلات محیط‌زیستی ناشی از بهره‌برداری‌های بی‌رویه و غیراصولی از طبیعت و منابع آن است، زیرا فمینیست‌ها توجهات متفاوتی در طرفداری از محیط‌زیست دارند. اکوفمینیسم فرهنگی معتقد است که زنان ذاتاً بیشتر از مردان به طبیعت نزدیک‌ترند و این رابطه نزدیک بین زنان و طبیعت می‌تواند ویژگی مثبت و منحصر به فرد فمینیسم در عصری باشد که آسیب‌ها و خطرهای فراوانی محیط‌زیست جهان را تهدید می‌کند (ساتن ۱۳۹۷: ۹۳). از دیدگاه آن‌ها اساساً زنان بیشتر از مردان از لطمه دیدن و آلودگی محیط‌زیست صدمه می‌بینند و در نتیجه اصولاً مسئله محیط‌زیست مسئله‌ای جنسیتی است (مشیرزاده ۱۳۸۵: ۴۲۳). گام مهمی که

اکوفمینیسم در مورد رابطه زن و طبیعت برمی‌دارد این است که رابطه بین زن و طبیعت را به رسمیت شناخته و ارتباط مجدد زنان با طبیعت را لازم و ضروری می‌داند، زیرا ماهیت جنسیتی جامعه بشری مستقیماً با الگوی رایج پیامدهای اکولوژیکی مرتبط است. به بیان ساده‌تر، این ایده به آن معناست که زنان به محیط‌زیست نزدیک‌ترند و می‌توانند نقش مؤثرتری در بهبود مخاطرات محیط‌زیستی داشته باشند (عباس‌زاده و کریم‌زاده ۱۳۹۶: ۱۲۷). از طرف دیگر، اکوفمینیست‌ها استدلال می‌کنند که سرکوب مردسالارانه ذیل عناوین سود و پیشرفت، طبیعت را از بین می‌برد (هام و گمیل ۱۳۸۲: ۱۳۳). بنابراین، اکوفمینیسم در معنای عام خود خواهان پایان سرکوب در همه عرصه‌هاست و بر این باور است که تلاش برای آزادی زنان با تلاش برای حفظ و آزادسازی طبیعت گره خورده است. از این دیدگاه، یکی از راه‌های پایان دادن به این روابط سلطه، دستیابی زنان به قدرت است (Gaard 1993: 3).

نظریه جامعه‌پذیری جنسیت

نظریه پردازان جامعه‌پذیری جنسیت معتقدند تفاوت‌های جنسیتی در نگرش‌ها، رفتارها و نگرانی‌های محیط‌زیستی ناشی از تجارب اجتماعی شدن متفاوت دختران و پسران و به عبارتی قرار گرفتن در معرض هنجارهای مختلف فرهنگی در دوران کودکی است. بر این اساس، در سنین پایین ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی متفاوتی به آن‌ها آموزش داده می‌شود که با نقش‌های اجتماعی زنان و مردان در ارتباط است. درحالی‌که زنان برای داشتن ارزش‌هایی همچون دلسوزی، همکاری، مراقبت و نوع‌دوستی اجتماعی شده‌اند، مردان می‌آموزند رعایت هنجارهای رفتاری مردانه به رقابت و استقلال نیاز دارد که به «ذهنیت بازار» منجر می‌شود، لذا مردان اولویت را به رشد اقتصادی می‌دهند و ممکن است آلودگی محیط‌زیست را به‌منزله معامله‌ای ضروری برای رشد نشان دهند (Wood & Eagly 2012; Gilligan 1982; McCright & Xiao 2014). آندرونی و وسترنلوند (۲۰۰۱) شواهدی یافتند که نشان می‌دهد انتخاب‌های زنان در زمان دستیابی به قدرت سیاسی بیشتر از مردان دارای جهت‌گیری اجتماعی است و آن‌ها به وضع قوانین با توجه به کیفیت محیط‌زیستی شهروندان تمایل دارند، نه به نفع شرکت‌ها یا صنایع (Andreoni & Vesterlund 2001). این انتظارات جنسیتی، تفکر و عملکرد زنان و مردان را در مراحل بعدی زندگی نیز شکل می‌دهد. بر این اساس، نگرانی محیط‌زیستی در رفتار محیطی ریشه ندارد، بلکه نتیجه ملاحظاتی ایمنی است (Xiao & McCright 2015). طرفداران این دیدگاه معتقدند زنان در مورد طیف گسترده‌ای از مسائل محیط‌زیستی - از گرم‌شدن کره زمین تا آلودگی آب - نسبت به مردان نگرانی و دغدغه بیشتری دارند.

نظریه بوم‌گرایی ساتن

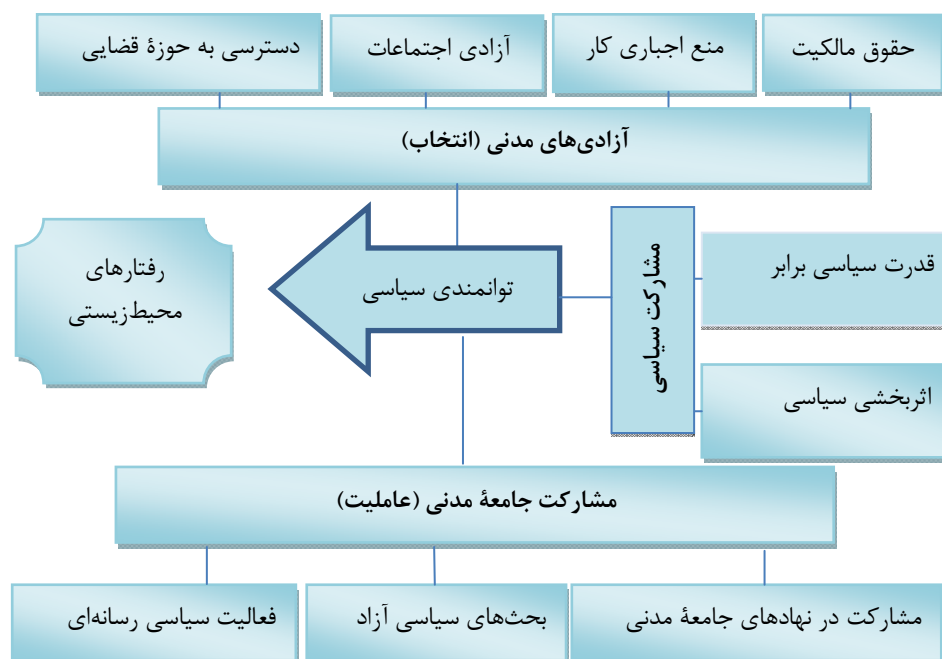
از دیدگاه ساتن، مهم‌ترین دستاورد جامعه‌شناسی محیط‌زیست، ارائه این تصور بوده که مشکلات محیط‌زیستی همواره مشکلات اجتماعی نیز هستند، زیرا رابطه بین انسان‌ها و محیط‌زیست آن‌ها را دربر می‌گیرد. بر این اساس، اگر قرار باشد راه‌حلی برای مشکلات محیط‌زیستی پیدا شود، این مردم و کل جامعه هستند که باید رفتارهای ویران‌گر کنونی خود را تغییر دهند. ساتن در بخشی از کتاب خود (درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست) به یک ایدئولوژی سیاسی جدید به نام بوم‌گرایی اشاره می‌کند که مجموعه‌ای از اصول و آرمان‌های اخلاقی را دربر می‌گیرد. در زمینه رابطه جوامع انسانی و محیط‌زیست، این ایدئولوژی حاوی پیش‌طرحی برای ایجاد نظم جدید اجتماعی است که آسیب کمتری به طبیعت برساند (ساتن ۱۳۹۷: ۲۸۰). از دیدگاه وی، وجود تشکلهای سیاسی و مدنی در جامعه سبب می‌شود محیط طبیعی به موضوعی سیاسی تبدیل شود و دیگر احزاب مجبور شوند با دستور کار سبز کنار بیایند و سیاست‌های محیط‌زیستی خودشان را در حد توصیه مطرح کنند (ساتن ۱۳۹۷: ۱۸۹).

نظریه برساخت‌گرایی

از طرفداران این نظریه‌هانیگان و اروین‌اند. از نظر برساخت‌گرایان، پیدایش یا افول موضوعات و مشکلات محیط‌زیستی تابع اصول، ضوابط، معیارهای ثابت و غیراجتماعی نیست، بلکه شیوع آن‌ها به طور مستقیم به موفقیت ادعاهای گروهی از کنش‌گران اجتماعی مانند دانشمندان، صنعت‌گران، سیاست‌مداران و فعالان محیط‌زیستی گوناگون باز می‌گردد. به نظر طرفداران این رویکرد، اگرچه عوامل انسانی نقش زیادی در مشکلات محیط‌زیست دارند، مشکلات اجتماعی به نسبت محیط فیزیکی تأثیر بیشتری دارند (هانیگان، ۱۳۹۴: ۱۰۵). از دیدگاه برساخت‌گرایان، گستره‌ای از معانی و تفاسیر اجتماعی در باب خطرهای محیط‌زیستی وجود دارد که نمی‌توان آن‌ها را جدای از تفاسیر اجتماعی و کشمکش‌ها و ادراکات فرهنگی بررسی کرد. براساس پذیرش تفاسیر متکثر، در برخی افراد انواعی از خطرهای اهمیت فوری پیدا می‌کنند و در اولویت آن‌ها قرار می‌گیرند؛ حال آنکه همان خطرهای ممکن است نزد افراد دیگر اهمیت چندانی نداشته باشد. از این منظر، خطرهای و ادراک خطر به‌طور واقعی وجود ندارد و ادعای دانش در این مورد پوچ است. ریسک‌های محیط‌زیستی برحسب نظام‌های معانی متفاوت در جامعه و تفاسیر انواع خرده‌فرهنگ‌های رقیب و از دل کشمکش‌های بین‌الذهانی ساخته و پرداخته می‌شود. از این رو، برساخت‌گرایان خطر، بر نسبت‌گرایی شناختی- معرفتی تأکید دارند (اروین ۱۳۹۳: ۴۰-۵۰).

چارچوب و مدل نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش به صورت تلفیقی و مستخرج از پیشینه و ادبیات نظری پژوهش است که در قالب مدل مفهومی ذیل ترسیم شده است. لو و دنگ (۲۰۱۹) بین توانمندی سیاسی زنان و کاهش معضلات محیط‌زیستی ارتباط برقرار می‌کنند. از دیدگاه آن‌ها مشارکت جامعه مدنی و به دنبال آن مشارکت سیاسی زنان بیشترین تأثیر را در رفتارهای محیط‌زیستی افراد دارد. از دیدگاه بایه (۲۰۱۶)، زنان بسیار تحت تأثیر مشکلات محیط‌زیستی قرار دارند، اما کمتر به مشارکت آن‌ها در حفاظت از محیط‌زیست تأکید می‌شود. وی معتقد است تا زمانی که زنان توانمند نشوند و برابری جنسیتی حاصل نشود، نمی‌توانند نقش خود را در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط‌زیستی ایفا کنند. مک‌کینی و فولکرسون (۲۰۱۵) بر این باورند که تخریب منابع بر زنان تأثیر منفی می‌گذارد و نمایندگی آن‌ها در دولت نویدبخش آینده‌ای روشن برای بهبود محیط‌زیست است. ساندستروم و همکاران (۲۰۱۷) توانمندسازی سیاسی زنان را به منزله فرایندی برای افزایش ظرفیت زنان تعریف می‌کنند که به انتخاب، عاملیت و مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی منجر می‌شود. از دیدگاه ماویساکالیان و تاروردی (۲۰۱۹)، هنگامی که زنان از نظر سیاسی توانمند باشند، ممکن است تمایل به اتخاذ برخی سیاست‌های سخت‌گیرانه در تغییر اوضاع برای حفاظت از محیط‌زیست و تحقق توسعه پایدار داشته باشند. از دیدگاه ساتن (۱۳۹۲) مشکلات محیط‌زیستی همواره مشکلات اجتماعی هستند. بر همین اساس، اگر قرار باشد راه‌حلی برای مشکلات محیط‌زیستی پیدا شود، این مردم و کل جامعه‌اند که باید رفتارهای ویران‌گر کنونی خود را تغییر دهند. از دیدگاه بر ساخت‌گرایانی همچون هانیگان و اروین، این انسان‌ها هستند که به جهان و طبیعت معنا می‌بخشند و جهان بدون وجود بشر و تفاسیر آن‌ها بی‌معناست. خطرها و مشکلات محیط‌زیستی و درک بشر از آن‌ها نیز حاصل فرایند پویایی، تعریف و مشروع‌سازی اجتماعی است. از دیدگاه اکوفمینیسم، تلاش برای توانمندسازی زنان با تلاش برای حفظ و آزادسازی طبیعت گره خورده است. از این دیدگاه، با توجه به نگرانی و دغدغه بیشتر زنان به محیط‌زیست، توانمندسازی سیاسی زنان می‌تواند باعث ترویج و تبلیغ رفتارهای محیط‌زیستی مناسب در جامعه شود. از طرف دیگر، نظریه‌پردازان جامعه‌پذیری جنسیت معتقدند که تفاوت‌های جنسیتی در نگرش‌ها، رفتارها و نگرانی‌های محیط‌زیستی ناشی از قرار گرفتن در معرض هنجارهای مختلف فرهنگی در دوران کودکی است. بر این اساس، اگر در سنین پایین ارزش‌ها و انتظارات محیط‌زیستی مناسب به کودکان آموزش داده شود، این مسئله می‌تواند در مراحل بعدی زندگی باعث فرهنگ‌سازی و مسئولیت‌پذیری بیشتر بین شهروندان شود.



نمودار ۲. مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

بین توانمندی سیاسی زنان و رفتارهای محیط‌زیستی آنها رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

- بین انتخاب و رفتارهای محیط‌زیستی زنان رابطه معنادار وجود دارد.
- بین عاملیت و رفتارهای محیط‌زیستی زنان رابطه معنادار وجود دارد.
- بین مشارکت و رفتارهای محیط‌زیستی زنان رابطه معنادار وجود دارد.
- متغیرهای زمینه‌ای (سن، تحصیلات، وضعیت شغلی و درآمد) بر رفتارهای محیط‌زیستی زنان تأثیر دارند.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ رویکردی، کمی و از نظر راهبردی و گردآوری داده‌ها، همبستگی و توصیفی از نوع پیمایشی است. جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه انجام گرفت. جامعه آماری زنان شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۰ است که تعداد آن‌ها براساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ برابر ۴۷۲ هزار و ۵۷۸ نفر است. با توجه به حجم وسیع جامعه آماری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS Sample Power حجم نمونه انتخاب شد. برای محاسبه حجم نمونه از پارامتر رگرسیون ساده استفاده شد. در این زمینه، مقدار آلفا را ۰٫۰۵، توان آزمون (مقدار بتا) را ۰٫۸۰، سطح اطمینان را ۰٫۹۵ و مقدار پارامتر ضریب تعیین در جامعه آماری را بر اساس حداقل ۰٫۰۸ شاخص ضریب تعیین در نظر گرفته شد و مقدار حجم نمونه برابر ۲۰۰ نفر به دست آمد. جهت انتخاب نمونه نیز از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. برای این مهم، شهر کرمانشاه، که براساس تقسیم‌بندی شهرداری به ۸ منطقه تقسیم شده است، به صورت هدفمند سه منطقه (منطقه ۱، ۳ و ۷) براساس سطح توسعه‌یافتگی شهر و همچنین توزیع متعادل نمونه‌ها برای مطالعه انتخاب شدند. منطقه ۱، که با سطح توسعه بالا شامل (۲۲ بهمن، مرکزی، گذرنامه، نوبهار، گلریزان، گلستان)، منطقه ۳ با سطح توسعه پایین شامل (جعفرآباد، رشیدی، کیانشهر، آریاشهر، رسالت، حافظیه) و منطقه ۷ با سطح توسعه متوسط شامل (پردیس، کسری، صدرا، زیباشهر، ژاندارمری، فردوسی) است. متناسب با حجم جمعیت هر منطقه برای منطقه ۱ تعداد ۵۵ نفر، برای منطقه ۳ تعداد ۸۰ نفر و برای منطقه ۷ تعداد ۶۵ نفر انتخاب شده و پرسش‌نامه‌ها بین آن‌ها توزیع شدند. برای سنجش روایی ابزار پژوهش از روایی صوری و تحلیل عاملی با استفاده از معادلات ساختاری و برای برآورد پایایی ابزار پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده شد. تعریف عملیاتی متغیرهای اصلی پژوهش و نحوه سنجش آن‌ها به صورت ذیل انجام گرفت:

الف) توانمندی سیاسی: براساس دیدگاه ساندستروم و همکاران (۲۰۱۷)، توانمندی سیاسی به سه بُعد (انتخاب، عاملیت و مشارکت) تقسیم شد که هر یک شامل چندین مؤلفه است: **انتخاب:** با استفاده از چهار مؤلفه (آزادی رفت‌وآمد، حقوق مالکیت، منع کار اجباری و دسترسی به حوزه قضایی) در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجیده شد. **عاملیت:** با استفاده از سه مؤلفه (مشارکت در سازمان‌های جامعه مدنی، بحث‌های سیاسی آزاد و فعالیت سیاسی رسانه‌ای) در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجیده شد. **مشارکت سیاسی:** با استفاده از دو مؤلفه (اثربخشی سیاسی و قدرت سیاسی برابر با مردان) در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت سنجیده شد.

ب) رفتار محیط‌زیستی: رفتار محیط‌زیستی در پنج مؤلفه (مصرف بهینه انرژی، مصرف بهینه آب، حوزه آلودگی هوا، محیط‌زیستی بازیافت، تمایل به رفتار محیط‌زیستی) (نگرش محیط‌زیستی) در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت مورد سنجش قرار گرفت.

جدول ۱. عملیاتی کردن متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	ابعاد	مؤلفه‌ها / خرده‌ابعاد	تعداد گویه	کل گویه
سبب‌های انتخاب	انتخاب	حقوق مالکیت	۴	۲۰ گویه
		منع اجباری کار	۵	
		آزادی رفت‌وآمد	۷	
		دسترسی به حوزه قضایی	۴	
عملیات	عملیات	مشارکت در نهادهای جامعه مدنی	۵	۱۳ گویه
		بحث‌های سیاسی آزاد	۵	
		فعالیت سیاسی رسانه‌ای	۳	
مشارکت	مشارکت	قدرت سیاسی برابر	۳	۷ گویه
		اثر بخشی سیاسی	۴	
تأثیر محیط‌زیستی	_____	مصرف بهینه انرژی	۵	۲۵ گویه
		مصرف بهینه آب	۵	
		حوزه آلودگی آب	۵	
		بازیافت	۵	
تمایل به رفتار محیط‌زیستی			۵	

روایی و پایایی ابزار پژوهش

برای سنجش پایایی ابزار سنجش (پرسش‌نامه)، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقادیر آلفای کرونباخ برای اکثر متغیرها بیشتر از ۰/۷ بوده؛ هرچند برای دو مؤلفه مصرف بهینه آب و نگرش به رفتارهای محیط‌زیستی پایین‌تر از سطح استاندارد است، اما وقتی با کل گویه‌ها بررسی شده‌اند، میزان آلفای کل را بیشتر از حد استاندارد نشان می‌دهند. بنابراین، پایابودن ابزار اندازه‌گیری را نشان می‌دهد. برای اندازه‌گیری روایی ابزار پژوهش از روایی صوری (با استفاده از اجماع نظر متخصصان در مورد کفایت گویه‌ها)، روایی سازه^۱ با استفاده از تحلیل عامل^۲ و روایی معیار استفاده شد. جهت انجام دادن تحلیل عامل تأییدی، از آزمون کفایت نمونه‌برداری (KMO) استفاده شد و نتایج این آزمون نشان می‌دهد که گویه‌ها کفایت انتخاب گویه‌های هر سنج را نشان می‌دهند. می‌توان تشریح کرد که هر متغیر به‌عنوان یک عامل می‌تواند گویه‌ها را حول یک مقدار جمع و روی یک محور قرار دهد. در تحلیل عاملی ضرایب اشتراک، که مقادیری بین صفر و یک انتخاب کرده‌اند، همان R²هایی هستند که تبیین‌شده گویه مذکور را بیان می‌کند. به عبارت دیگر، مقدار ضریب اشتراک این واقعیت بیان‌کننده درصد اشتراک واریانس هریک از معرف‌ها با واریانس ترکیب تعداد عامل‌های استخراجی است. این مقدار ضریب باید حداقل ۰/۵۰ باشد.

1. Construct validity
2. Factor Analysis

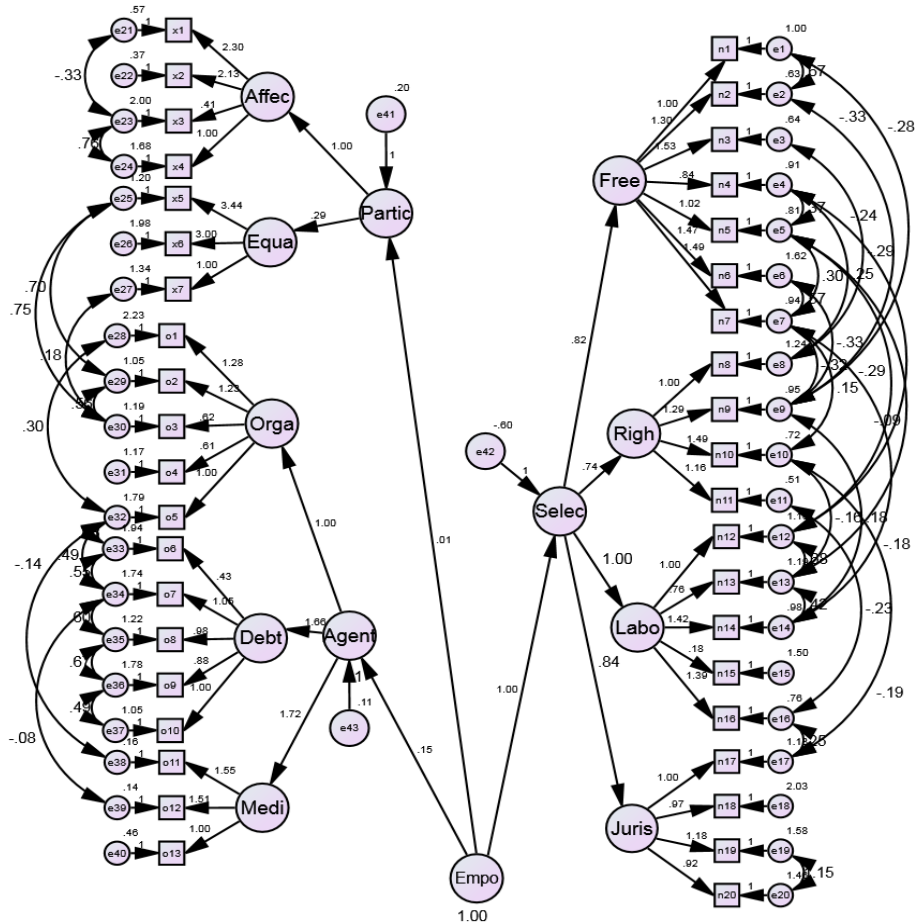
جدول ۲. ضریب پایایی متغیرها

متغیر	ابعاد	متغیر مؤلفه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	ضرایب حاصل از تحلیل عاملی برای روایی سازه			روایی معیار		
					اشتراک	KMO	بارت‌ها			
					DF:	مقداری	مقدار r^2	مقداری		
انتخاب	آزادی رفت و آمد	۷	۰.۸۴۵	۰.۸۸۲	۰.۷۲۸	۷۵۳/۹۸	۰.۰۰۰	۰.۳۴۱	۰.۰۰۰	
	حقوق مالکیت	۴	۰.۵۹۲	۰.۸۱۸	۰.۵۸۹	۹۷/۸۳	۰.۰۰۰	۰.۴۵۴	۰.۰۰۰	
	منع کار اجباری	۵	۰.۶۸۶	۰.۶۸۶	۰.۶۳۹	۲۵۳/۴۸	۰.۰۰۰	۰.۱۵۹	۰.۰۰۰	
	دسترسی به حوزه قضا	۴	۰.۶۶۴	۰.۵۲۳	۰.۵۴۵	۲۴۷/۴۳	۰.۰۰۰	۰.۱۹۹	۰.۰۰۰	
	جمع کل انتخاب	۲۰	۰.۸۱۷	۰.۸۸۷	۰.۶۶۳	۲۲۸۲/۵۴۲	۱۹۰	—	—	۰.۰۰۰
عاملیت	مشارکت جامعه مدنی	۵	۰.۵۹۵	۰.۶۵۶	۰.۵۷۸	۱۴۰/۷۷۵	۰.۰۰۰	۰.۴۲۵	۰.۰۰۰	
	سیاسی آزاد فعالیت	۵	۰.۸۵۱	۰.۶۹۷	۰.۷۴۶	۵۴۹/۷۷	۰.۰۰۰	۰.۲۷۷	۰.۰۰۰	
	سیاسی رسانه	۳	۰.۶۹۷	۰.۸۵۱	۰.۶۸۱	۴۱۶/۲۴۵	۳	۰.۳۹۵	۰.۰۰۰	
	جمع کل عاملیت	۱۳	۰.۸۶۶	۰.۵۰۷	۰.۷۸۵	۱۴۸۲/۹۷۸	۷۸	—	—	۰.۰۰۰
مشارکت	اثر بخشی سیاسی	۴	۰.۷۷۳	۰.۸۲۲	۰.۶۱۰	۳۶۴/۷۷	۰.۰۰۰	۰.۱۷۰	۰.۰۰۰	
	قدرت برابر با مردان	۳	۰.۸۴۷	۰.۸۶۵	۰.۷۳۲	۲۵۵/۰۶	۳	۰.۱۱۴	۰.۰۰۰	
	جمع کل مشارکت	۷	۰.۸۵۸	۰.۹۰۷	۰.۷۷۱	۷۵۸/۷۸۷	۲۱	—	—	۰.۰۰۰
	جمع کل توانمندی سیاسی	۴۰	۰.۹۱۸	۰.۹۰۷	۰.۵۵۳	۸۸۷۰/۳۵۴	۷۸۰	—	—	۰.۰۰۰

متغیر وابسته: توانمندی سیاسی

متغیر	ابعاد	متغیر مؤلفه	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	ضرایب حاصل از تحلیل عاملی برای روایی سازه			روایی معیار
					اشتراک	KMO	بارتلت	
معیار	معیار	معیار	DF:	مقدار ^۲	مقدار ^۱	مقدار ^۳	مقدار ^۴	
رفتار محیط‌زیستی	مصرف بهینه انرژی		۵	۰.۹۰۸	۰.۵۹۳	۰.۸۴۷	۸۶۵.۳۸	
	مصرف بهینه آب		۵	۰.۳۸۹	۰.۶۲۴	۰.۷۴۳	۸۸۸.۰	
	حوزه آلودگی هوا		۵	۰.۶۷۴	۰.۷۱۹	۰.۶۵۷	۴۰۵.۵۸	
	محیط‌زیست بازیافت		۵	۰.۷۳۷	۰.۶۳۷	۰.۷۳۲	۲۴۷.۲۹	
	تمایل به رفتار محیط‌زیستی		۵	۰.۴۲۹	۰.۷۸۰	۰.۵۲۶	۱۳۶.۲۰	
	جمع کل رفتار محیط‌زیستی		۲۵	۸۳۶	۰.۷۵۵	۰.۶۳۹	۳۶۸۶.۳۴	

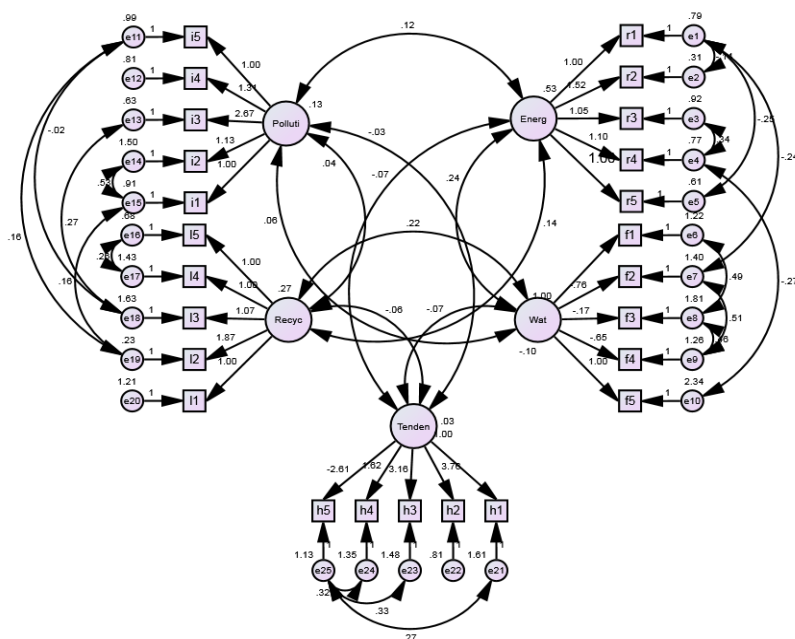
مدل عاملی استفاده‌شده در این مطالعه، تحلیل عاملی تأییدی است. معیارهای برازش مدل عاملی توانمندی سیاسی نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار است. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری توانمندی سیاسی زنان نشان می‌دهند که مقدار کای اسکوئر غیرمعنادار (CMIN) برابر با ۲۶۸۹.۳۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نتیجه مطلوبی را نشان نمی‌دهد. شاخص RMR یا ریشه میانگین مجذور باقی‌مانده‌ها، برابر ۰/۲۱۲ است که نسبتاً برازندگی مدل را تأیید می‌کند. شاخص برازش تطبیقی CFI برابر ۰/۵۴۱ است که نتایج نسبتاً مطلوبی را نشان می‌دهد. نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی CMIN/DF برابر ۳/۸۴ است که در مجموع وضعیت بهبودی را برای مدل نشان می‌دهد. نتایج حاصل از مدل اندازه‌گیری متغیر مستقل (توانمندی سیاسی) به صورت استاندارد در نمودار ۴ بیان شده است. در این مدل، eها مقادیر خطای اندازه‌گیری گویه‌ها، n1 تا n20 گویه‌های بعد انتخاب با نماد (Selec) در مدل، x1 تا x7 گویه‌های مشارکت با نماد (Partic) در مدل و o1 تا o13 گویه‌های بعد عاملیت با نماد (Agent) به‌عنوان متغیرهای پنهان درونی در مدل از متغیر توانمندی سیاسی زنان با نماد (Empo)، که متغیر پنهان بیرونی است، مشخص شده‌اند. شایان ذکر است که زیر مؤلفه‌های هر یک از ابعاد سه‌گانه توانمندی سیاسی در این مدل با نمادهای Free, Righ, Labo, Media, Orga, Affec, Juris, Media, Debt, Equa, Media مشخص شده‌اند. همچنین، در این مدل دایره‌هایی که بر هر یک از این زیرمؤلفه‌ها وارد شده‌اند، خطاهای ساختاری آن‌ها هستند.



نمودار ۴. مدل غیراستاندارد اندازه‌گیری عاملی متغیر مستقل و ابعاد آن

نتایج برای مدل عاملی رفتار محیط‌زیستی نشان می‌دهد که مقدار کای‌اسکوئر غیرمعنادار (CMIN) برابر با ۶۳۶/۵۰۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نتیجه مطلوبی را نشان نمی‌دهد. شاخص RMR یا ریشه میانگین مجذور باقی‌مانده‌ها برابر ۰/۱۵۱ است که نسبتاً برازندگی مدل را تأیید می‌کند. شاخص برازش تطبیقی CFI برابر ۰/۶۶۲ است که نتایج نسبتاً مطلوبی را نشان می‌دهد. شاخص توکر لوئیس (شاخص برازش هنجارنشده یا TLI) با مقدار ۰/۵۹۸ یا بیشتر منعکس‌کننده یک مدل خوب است. نسبت کای‌اسکوئر به درجه آزادی CMIN/DF برابر ۲/۵۲۶ است که در مجموع وضعیت بهبودی را برای مدل نشان می‌دهد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی برای متغیرهای مستقل در نمودار ۵ ارائه شده است. نتایج حاصل به‌صورت استانداردشده (واریانس)

گزارش شده است. در این مدل، e ها مقادیر خطای اندازه‌گیری گویه‌ها، $r1$ تا $r5$ گویه‌های بُعد انرژی با نماد (Energ)، $f1$ تا $f5$ گویه‌های بُعد مصرف بهینه انرژی با نماد (Wat)، $i1$ تا $i5$ گویه‌های بُعد مصرف بهینه آب با نماد (Polluti)، 11 تا 15 گویه‌های بُعد بازیافت با نماد (Recyc) در مدل، $h1$ تا $h5$ گویه‌های تمایل با نماد (Tenden) در مدل به‌عنوان متغیرهای پنهان درونی در مدل پنج‌عاملی مرتبه اول از متغیر رفتارهای محیط‌زیستی است. شایان ذکر است که در این مدل دایره‌هایی که بر هریک از این زیرمؤلفه‌ها وارد شده‌اند، خطاهای ساختاری آن‌ها هستند.



نمودار ۵. مدل غیراستاندارد اندازه‌گیری عاملی رفتار محیط‌زیستی

جدول ۳ توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به توانمندی سیاسی زنان و رفتارهای محیط‌زیستی آن‌ها را نشان می‌دهد. نتایج جدول در مورد توانمندی سیاسی زنان نشان می‌دهد که این متغیر دارای حداقل (نمره ۴۰) و حداکثر (نمره ۲۰۰) است. میانگین واقعی این متغیر برابر ۱۲۷/۵۰ است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۱۲۰) بالاتر است. می‌توان استنباط کرد که میانگین واقعی توانمندی سیاسی زنان از میانگین مورد انتظار بالاتر است. نتایج حاصل از فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای پارامتر میانگین نشان می‌دهد که با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توانیم بگوییم در جامعه آماری از حداقل ۴/۴۱ درصد تا حداکثر ۱۰/۵۵ درصد از زنان دارای توانمندی سیاسی بالایی هستند. در مورد رفتارهای محیط‌زیستی نتایج نشان می‌دهد که این متغیر دارای حداقل (نمره ۲۵) و حداکثر (نمره ۲۲۵) است. میانگین این متغیر برابر ۶۶/۳۸

است که در مقایسه با میانگین مورد انتظار (۷۵) پایین تر است. نتایج حاصل از فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای پارامتر میانگین نشان می‌دهد که با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توانیم بگوییم در جامعه آماری از حداقل ۹،۹۵ درصد تا حداکثر ۷،۳۰ درصد از زنان رفتارهای محیط‌زیستی برایشان مهم بوده است.

جدول ۳. نتایج شاخص‌های آماری توانمندی سیاسی زنان و رفتار محیط‌زیستی آنها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	تفاوت معنادار		آمار استنباطی		فاصله اطمینان ۰،۹۵
			با حد وسط مقیاس	میانگین	آماره t	Sig.	
انتخاب	آزادی رفت‌وآمد	۱۷،۸۴	۲۱	-۳،۱۶	-۷،۶۱	۰،۰۰۰	۳،۹۹ -۲،۳۳
	حقوق مالکیت	۱۱،۰۶	۱۲	-۰،۹۴	-۴،۳۳	۰،۰۰۰	۱،۳۳ -۰،۴۹
	منع کار اجباری	۱۷،۹۲	۱۵	۲،۹۲	۹،۸۷	۰،۰۰۰	۲،۳۱ ۳،۴۹
	دسترسی به حوزه قضایی	۱۱،۹۲	۱۲	-۰،۰۸	-۰،۲۹۷	۰،۷۶۷	-۰،۶۰۴ ۰،۴۶۹
	کل	۵۸،۷۴	۶۰	-۱،۲۶	-۱،۳۴	۰،۱۸۲	-۲،۹۸ ۰،۶۹۹
عاملیت	سازمان‌های جامعه مدنی	۱۵،۲۲	۱۵	۰،۲۲	۰،۸۱۰	۰،۴۱۹	-۰،۳۰۹ ۰،۷۶۴
	بحث‌های سیاسی آزاد	۱۶،۹۲	۱۵	۱،۹۲	۵،۱۴	۰،۰۰۰	۱،۲۱۵ ۲،۶۸
	فعالیت سیاسی رسانه‌های	۹،۸۰	۹	۰،۸۰	۴،۰۲	۰،۰۰۰	۰،۴۲۵ ۱،۱۷۹
	کل	۴۱،۹۴	۳۹	۲،۹۴	۴،۱۸	۰،۰۰۰	۱،۵۹ ۴،۳۵
مشارکت	اثر بخشی سیاسی	۱۶،۲۴	۱۲	۴،۲۴	۱۸،۰۸	۰،۰۰۰	۳،۷۸ ۴،۶۷
	قدرت سیاسی برابر با مردان	۱۰،۵۸	۹	۱،۵۸	۷،۱۹	۰،۰۰۰	۱،۱۷۵ ۱،۹۸
	کل	۲۶،۸۲	۲۱	۵،۸۲	۱۴،۲۶	۰،۰۰۰	۵،۰۳ ۶،۶۱
کل توانمندی سیاسی زنان							
		۱۲۷،۵۰	۱۲۰	۷،۵	۴،۴۸	۰،۰۰۰	۴،۴۱ ۱۰،۵۵
متغیر وابسته رفتار محیط‌زیستی	مصرف بهینه انرژی	۱۲،۸۲	۱۵	-۲،۱۸	-۶،۳۸	۰،۰۰۰	-۲،۸۵ -۱،۵۰
	مصرف بهینه آب	۱۲،۵۴	۱۵	-۲،۴۶	-۱۰،۴۹	۰،۰۰۰	-۲،۹۲ -۱،۹۹
	حوزه آلودگی هوا	۱۰،۵۲	۱۵	-۴،۹۰	-۲۰،۸۲	۰،۰۰۰	-۴،۹۰ -۴،۰۵
	محیط‌زیست بازیافت	۱۳،۱۶	۱۵	-۲،۴۰	-۶،۴۳	۰،۰۰۰	-۲،۴۰ -۱،۲۷
	تمایل به رفتار محیط‌زیستی	۱۷،۳۴	۱۵	۱،۹۱	۱۰،۷۳	۰،۰۰۰	۱،۹۱ ۲،۷۷
	کل	۶۶،۳۸	۷۵	-۸،۶۲	-۱۲،۸۵	۰،۰۰۰	-۹،۹۵ -۷،۳۰

جدول ۴ ماتریس همبستگی بین ابعاد توانمندسازی سیاسی زنان و رفتار محیط‌زیستی آن‌ها را نشان می‌دهد. براساس یافته‌های به‌دست‌آمده، توانمندسازی زنان در برخی ابعاد با فرهنگ محیط‌زیستی رابطه معنادار دارد و برای برخی از ابعاد این رابطه معنادار نیست. این نتایج در جدول ۴ بیان شده‌اند.

جدول ۴. ماتریس همبستگی بین وضعیت توانمندی سیاسی زنان و رفتار محیط‌زیستی

رفتار محیط‌زیستی	تمایل به رفتار	رفتار محیط‌زیستی			مصرف بهینه انرژی	مصرف بهینه آب	ضریب همبستگی پیرسون
		باز یافت	آلودگی هوا	مصروف			
۰٫۲۴۲	۰٫۲۲۳	۰٫۳۲۳	۰٫۲۴۸	۰٫۰۱۶	۰٫۱۷۲	همبستگی معناداری	
۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۱	۰٫۰۰۰	۰٫۰۰۰	۰٫۸۱	۰٫۰۱۵	نتیجه رابطه	
تأیید فرضیه مثبت	تأیید فرضیه مثبت	تأیید فرضیه مثبت	تأیید فرضیه مثبت	رد فرضیه مثبت	رد فرضیه مثبت	همبستگی معناداری	
-۰٫۰۰۹	۰٫۰۵	۰٫۰۴۷	۰٫۰۵۴	-۰٫۰۲۳	-۰٫۰۴۱	نتیجه رابطه	
۰٫۹۰	۰٫۴۴	۰٫۴۰	۰٫۴۴	۰٫۷۴	۰٫۵۶	همبستگی معناداری	
رد فرضیه منفی	رد فرضیه مثبت	رد فرضیه مثبت	رد فرضیه مثبت	رد فرضیه منفی	رد فرضیه منفی	نتیجه رابطه	
۰٫۰۲۰	۰٫۲۶۳	۰٫۰۱۰	۰٫۰۱۹	۰٫۲۰۹	۰٫۰۱۱	همبستگی معناداری	
۰٫۷۸	۰٫۰۰۰	۰٫۸۸	۰٫۷۸	۰٫۰۰۳	۰٫۸۸	نتیجه رابطه	
رد فرضیه مثبت	تأیید فرضیه مثبت	رد فرضیه مثبت	رد فرضیه مثبت	تأیید فرضیه مثبت	رد فرضیه مثبت	همبستگی معناداری	
۰٫۴۷۷	۰٫۱۲۱	۰٫۰۵۵	۰٫۲۰۹	۰٫۰۳۹	۰٫۱۳۲	نتیجه رابطه	
۰٫۰۰۰	۰٫۵۸	۰٫۴۶	۰٫۰۰۳	۰٫۵۸	۰٫۰۵۲	همبستگی معناداری	
تأیید فرضیه مثبت	رد فرضیه مثبت	رد فرضیه مثبت	تأیید فرضیه مثبت	رد فرضیه مثبت	تأیید فرضیه مثبت	نتیجه رابطه	

نتایج حاصل از تحلیل متغیرهای زمینه‌ای نشان می‌دهد که عواملی مانند گروه‌های سنی پاسخ‌گویان، مقطع تحصیلی و وضعیت درآمدی بر رفتارهای محیط‌زیستی زنان تأثیرگذارند؛ اما وضعیت شغلی تأثیر معناداری بر رفتارهای محیط‌زیستی زنان ندارد. نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین‌ها با استفاده از تحلیل واریانس و آزمون تی دو گروه مستقل این نتایج را نشان می‌دهد. براساس نتایج حاصل استنباط می‌شود که گروه سنی ۳۵ تا ۴۴ سال دارای بیشترین رفتارهای منطبق با محیط‌زیست هستند. در مورد متغیر مقطع تحصیلی نتایج نشان می‌دهد که زنان با مقطع تحصیلات تکمیلی بیشترین توجه و مراقبت را نسبت به محیط‌زیست دارند. همچنین، در مورد وضعیت درآمد نیز می‌توان گفت آن‌هایی که میزان درآمدشان بالاتر است، از رفتارهای محیط‌زیستی بالاتری برخوردارند. هرچند وضعیت شغلی زنان در رفتارهای

محیط‌زیستی آن‌ها تأثیر معناداری ندارد، زنان شاغل رفتارهای محیط‌زیستی بیشتری نسبت به زنان غیرشاغل دارند.

جدول ۵. آزمون مقایسه میانگین رفتارهای محیط‌زیستی زنان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

نام متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	آزمون	معناداری
گروه سنی	۲۴-۱۵	۱۲۵,۷۸	۲۲,۲۶	۲,۷۰۳	۰,۰۴۸
	۳۴-۲۵	۱۱۹,۶۰	۲۱,۳۱		
	۴۴-۳۵	۱۳۲,۹۲	۲۲,۹۰		
مقطع تحصیلی	۵۴-۴۵	۱۰۷,۰۰	۱,۰۰	۳,۴۱۵	۰,۱۹
	دیپلم	۱۱۶,۷۹	۲۳,۵۲		
	فوق دیپلم	۱۲۷,۵۳	۱۰,۸۴		
	کارشناسی	۱۲۲,۸۵	۱۹,۹۸		
وضعیت درآمد (میلیون تومان)	ارشد و بالاتر	۱۳۰,۷۶	۲۳,۸۳	۷,۵۶۹	۰,۰۰۰
	کمتر از ۲	۱۰۵,۰۹	۲۸,۷۱		
	۲ تا ۴	۱۱۹,۱۴	۱۹,۲۷		
	۴ تا ۶ و بالاتر	۱۲۱,۳۳	۷,۵۸		
وضعیت شغلی	شاغل	۱۲۱,۴۰	۲۲,۴۷	-۱,۲۵۲	۰,۲۱۳
	بیکار	۱۲۶,۳۰	۲۲,۱۲		

آزمون رگرسیون

در این مرحله، به منظور بررسی تأثیر متغیر مستقل و تنظیم معادله پیش‌بینی از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. قبل از استفاده از رگرسیون، باید مفروضات اساسی این نوع تحلیل رگرسیونی را در نظر داشته باشیم: مقدار دوربین واتسون (Durbin-Watson = ۲,۰۷) نشان می‌دهد که بین باقی‌مانده‌ها خودهمبستگی وجود ندارد. از دیگر پیش‌فرض‌های رگرسیون هم‌خطی^۱ یا هم‌خطی چندگانه^۲ است. برای مشخص کردن این وضعیت از دو شاخص آماری به نام شاخص تحمل^۳ و عامل تورم واریانس^۴ استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده برای دو شاخص یادشده به ترتیب برابر ۱/۰۰۰ و ۱/۰۰۰ است. با توجه به معیارهای ذکرشده می‌توان از رعایت پیش‌فرض‌ها اطمینان پیدا کرد. پس از اطمینان از رعایت پیش‌فرض‌های رگرسیون و انجام‌دادن این آزمون، به تفسیر مهم‌ترین خروجی‌های آن پرداخته می‌شود: نتایج حاصله نشان می‌دهد که

1. Collinearity
2. multicollinearity
3. tolerance
4. Variance Inflation Factor (VIF)

توانمندی سیاسی وارد معادله رگرسیونی شده و ۱۳ درصد از تغییرات رفتارهای محیط‌زیستی را تبیین می‌کند؛ به طوری که مقدار T برای این متغیر برابر (T= ۱/۹۵) و ضریب معناداری (۰/۰۵) است. میزان ضریب تعیین برابر با $R^2 = ۰/۰۱۴$ به دست آمد. به این معنا که توانسته است مقدار ۰/۰۱ از تغییرات درونی متغیر میزان رفتارهای محیط‌زیستی را تبیین کند.

جدول ۶. رگرسیون و آماره‌های مرتبط با آن

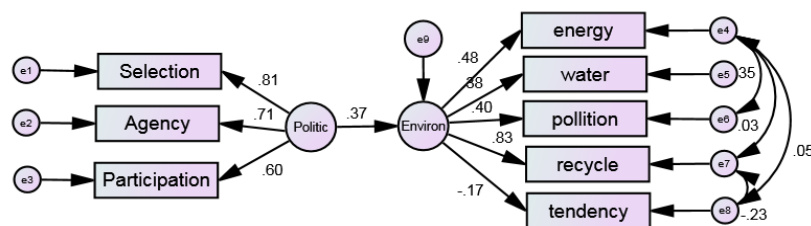
وابسته	متغیر پیش‌بین	B	ضریب معیار نشده خطای معیار	ضریب معیار شده Beta	آزمون t	معناداری Sig.
رفتار محیط‌زیستی	توانمندی سیاسی	۰/۰۵	۰/۰۲۸	۰/۱۳۷	۱/۹۵	۰/۰۰۵
مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی و برازش رگرسیون چندگانه						
نام شاخص	معادل لاتین	مقدار	نام شاخص	معادل لاتین	مقدار	
تحلیل واریانس	F	۳/۸۰	مقدار ثابت	Constant	۵۹/۳۵	
معناداری واریانس	Sig. F	۰/۰۵	روش	Method	Enter	
دوربین واتسون	Durbin-Watson	۲/۰۷۲	ضریب همبستگی پیرسون	R	۰/۵۷۴	
ضریب تعیین تعدیلی	Adjusted R	۰/۰۱۴	شاخص تحمل	Tolerance	۱/۰۰۰	
ضریب تعیین مقدار خطای استاندارد شده	R-Square	۰/۰۱۹	شاخص عامل تورم واریانس Std. Error of the Estimate	VIF	۱/۰۰۰	۰/۰۱۹

برای تدوین مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزار AMOS 21 استفاده شد. جدول ۷ وزن‌های استاندارد و غیراستاندارد رگرسیونی متغیر توانمندی سیاسی زنان روی متغیر وابسته را نشان می‌دهد. چنان‌که مشاهده می‌شود، مقدار P-value برای آن کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد تأثیر متغیرهای ذکر شده بر متغیر وابسته معنادار است. مثبت بودن کلیه وزن‌های رگرسیونی یا بارهای عاملی (پارامترهای لامدای اکس) نتیجه منطقی و قابل قبولی را از مبانی نظری نمودار نشان می‌دهد.

جدول ۷. برآورد استاندارد و غیراستاندارد پارامترهای اصلی (ضرایب گاما) و سطوح معناداری برای آزمون فرضیه‌ها

فرضیه	متغیر مستقل	جهت	برآورد رگرسیونی		سطح معناداری	نسبت بحرانی	p-value
			متغیر وابسته	استاندارد			
اول	توانمندی سیاسی	+	رفتار محیط‌زیستی	۰/۳۷۰	۰/۰۰۰	۲/۳۵۰	۰/۰۱۹
			غیراستاندارد	۰/۰۸۱			

در مدل رگرسیونی نظری تدوین شده مقدار ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر ۰٫۰۸۲، شاخص نیکویی برازش (CFI) برابر ۰٫۷۹۲ است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که هرچند مدل در برخی از شاخص‌ها با مدل مطلوب فاصله دارد، اکثر شاخص‌ها مناسب بودن مدل را تأیید می‌کنند. نتایج حاصل از مدل ساختاری متغیر مستقل (توانمندی سیاسی) به صورت استاندارد در نمودار ۶ بیان شده است. ضریب بتای استاندارد روی پیکانی که از سمت Politic به سمت Environ نشانه رفته است، مقدار استاندارد ۰٫۳۷ را نشان می‌دهد.



نمودار ۶. مدل استاندارد اندازه‌گیری عاملی متغیر وابسته و ابعاد آن

نتیجه‌گیری

هدف کلی این پژوهش نقش توانمندی سیاسی زنان در رفتارهای محیط‌زیستی آن‌ها در شهر کرمانشاه بود. نتایج حاصل از شاخص‌های آماری توانمندی سیاسی زنان نشان می‌دهد که میانگین واقعی این متغیر در بُعد عاملیت و مشارکت از میانگین مورد انتظار بالاتر است و در بُعد انتخاب نیز میانگین واقعی کمی پایین‌تر از میانگین مورد انتظار است. به‌طورکلی، نتایج نشان می‌دهد که میانگین واقعی توانمندی سیاسی زنان از میانگین مورد انتظار بالاتر است، بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد که توانمندی سیاسی زنان در جامعه مورد مطالعه نسبتاً بالاست و از این لحاظ نگرانی چندانی وجود ندارد. این در حالی است که در مورد رفتارهای محیط‌زیستی نتایج نشان می‌دهد میانگین واقعی این متغیر در ابعاد مصرف بهینه انرژی، مصرف بهینه آب، حوزه آلودگی هوا و بازیافت در مقایسه با میانگین مورد انتظار پایین‌تر است. اما در بُعد تمایل به رفتار محیط‌زیستی میانگین واقعی از میانگین مورد انتظار بالاتر است. می‌توان چنین استدلال کرد که زنان تمایل نسبتاً بالایی به رفتارهای محیط‌زیستی دارند، اما در عمل چندان به رفتارهای محیط‌زیستی پایبند نیستند و از این لحاظ وضعیت جامعه مورد مطالعه چندان مساعد نیست. این نتیجه با مطالعات صالحی و پازوکی‌نژاد (۱۳۹۳) و همچنین شبیری و همتی (۱۳۹۲) مبنی بر اینکه شهروندان چندان پایبند رفتارهای محیط‌زیستی نیستند یا اینکه رفتارهای حامی محیط‌زیستی در میان آن‌ها متوسط است همخوان است. نتایج فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که به‌طورکلی بین توانمندی سیاسی زنان و

رفتارهای محیط‌زیستی آن‌ها رابطه مثبت و معنادار ($r=27$) وجود دارد. همچنین، براساس نتایج پژوهش بین بُعد انتخاب توانمندی سیاسی زنان و رفتارهای محیط‌زیستی آن‌ها رابطه مثبت و معنادار ($r=24$) وجود دارد.

این نتایج با مطالعات نیاقی (۱۳۹۸) مبنی بر ارتباط بین افزایش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مدیریتی زنان با توسعه پایدار در زمینه مسائل محیط‌زیستی؛ لاهیجانیان و وسکویی (۱۳۹۵) مبنی بر ارتباط مثبت و معنادار بین میزان توانمندی زنان و نقش آنان در مدیریت محیط‌زیست؛ قاسمی و همکاران (۲۰۲۱) مبنی بر ارتباط بین توانمندسازی زنان و نقشی اساسی آن‌ها در توسعه و حفاظت از محیط‌زیست؛ لو و دنگ (۲۰۱۹) مبنی بر اهمیت توانمندسازی سیاسی زنان برای بهبود محیط‌زیست و مطالعه مک کینی و فولکرسون (۲۰۱۵) مبنی بر اهمیت نمایندگی زنان در دولت نویدبخش آینده‌ای بهتر برای بهبود محیط‌زیست تا حدودی همخوان است.

نتایج این پژوهش بر مبنای چارچوب نظری نیز قابل تفسیر است. اکوفمینیسم فرهنگی بر این باور است که تلاش برای آزادی زنان با تلاش برای حفظ و آزادسازی طبیعت گره خورده است. از این دیدگاه، یکی از راه‌های پایان دادن به این روابط سلطه‌آمیز توانمندی سیاسی زنان و در نتیجه دستیابی آنان به قدرت است. از دیدگاه لو و دنگ (۲۰۱۹)، توانمندی سیاسی زنان بیشترین تأثیر را در رفتارهای محیط‌زیستی افراد دارد. همچنین، از دیدگاه ماویسا کالین و تاروردی (۲۰۱۹) هنگامی که زنان از نظر سیاسی توانمند باشند، ممکن است تمایل به اتخاذ برخی سیاست‌های سخت‌گیرانه در تغییر اوضاع برای حفاظت از محیط‌زیست و تحقق توسعه پایدار داشته باشند. آندرونی و وسترون (۲۰۰۱) در چارچوب نظریه جامعه‌پذیری جنسیت نشان می‌دهند انتخاب‌های زنان در زمان دستیابی به قدرت سیاسی بیشتر از مردان دارای جهت‌گیری اجتماعی است و آن‌ها تمایل به وضع قوانین با توجه به کیفیت محیط‌زیستی شهروندان دارند. به‌طور کلی مطالعات نظری و تجربی صورت گرفته نشان می‌دهد که زنان تمایل دارند رفتارهای مناسب‌تری نسبت به محیط‌زیست داشته باشند و در محافظت از محیط‌زیست نقش مؤثرتری داشته باشند. بنابراین، منطقی است که انتظار داشته باشیم سطح توانمندی سیاسی زنان در یک کشور بر کیفیت محیط‌زیست در آن کشور تأثیر بگذارد.

منابع

- اروین، آلن (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی و محیط‌زیست*، ترجمه صادق صالحی، بابلسر: دانشگاه مازندران.
پازوکی‌نژاد، زهرا؛ صالحی، صادق (۱۳۹۳). «تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش و عملکرد زیست‌محیطی دانشجویان»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۵، ش ۳، ص ۷۱-۸۸.
ساتن، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط‌زیست*، ترجمه صادق صالحی، تهران: سمت
شبییری، سیدمحمد؛ همتی، زهرا (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین آموزش محیط‌زیستی و رفتار

- محیط‌زیستی مطالعه موردی: شهروندان شهر شیراز»، شیراز: کنفرانس بین‌المللی محیط‌زیست و منابع طبیعی.
- صالحی، صادق؛ امامعلی، لقمان (۱۳۹۵). «نقش هنجارهای فردی و اجتماعی در شکل‌گیری رفتار حامی محیط‌زیست»، *فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، دوره ۴، ش ۳، ص ۱۲-۲۱.
- عباس‌زاده، محمد؛ کریم‌زاده، سارا (۱۳۹۶). «جهت‌گیری‌های زنان به محیط‌زیست (محل مطالعه: ارومیه)»، *مسائل اجتماعی ایران* (دانشگاه خوارزمی)، دوره ۸، ش ۲، ص ۱۲۱-۱۵۰.
- لاهیجانیان، اکرم‌الملوک؛ وسکویی، نرگس (۱۳۹۵). «بررسی توانمندی زنان روستایی در حفظ محیط‌زیست»، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، دوره ۱۸، ش ۴، ص ۱۶۳-۱۷۵.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵). *از جنبش تا نظریه* (تاریخ دو قرن فمینیسم)، تهران: شیرازه.
- نیاقی، امید (۱۳۹۸). «نقش زنان و توانمندسازی آنان در توسعه پایدار زیست‌محیطی»، *فصلنامه مطالعات علوم محیط‌زیست*، دوره ۴، ش ۲، ص ۱۳۲۸-۱۳۳۹.
- هام، مگی؛ گمیل، سارا (۱۳۸۲). *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، فیروزه مهاجر و فرخ قره‌داغی، تهران: توسعه.
- هانیکان، جان (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی محیط‌زیست*، ترجمه صادق صالحی، تهران: سمت.
- Akpabio, I. A. (2007). "Women NGO's and the socio-economic status of rural women in Akwa Ibom State, Nigeria", *Journal of Agriculture and Social Sciences*, 3(1), PP 1-6.
- Alexander, A. C., Bolzendahl, C., & Jalalzai, F. (2016). "Defining women's global political empowerment: Theories and evidence", *Sociology Compass*, 10 (6), PP 432-441.
- Alsop, R., & Heinsohn, N. (2005). *Measuring empowerment in practice: Structuring analysis and framing indicators*. The World Bank.
- Andreoni, J., & Vesterlund, L. (2001). "Which is the fair sex? Gender differences in altruism", *The Quarterly Journal of Economics*, 116 (1), PP 293-312.
- Bayeh, E. (2016). "The role of empowering women and achieving gender equality to the sustainable development of Ethiopia", *Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences*, 2 (1), PP 37-42.
- Chambers, R. (2014). *Rural development: Putting the last first*. Routledge.
- Clements, B. (2012). "The sociological and attitudinal bases of environmentally-related beliefs and behaviour in Britain", *Environmental Politics*, 21 (6), PP 901-921.
- Cunningham, K., Ruel, M., Ferguson, E., & Uauy, R. (2015). "Women's empowerment and child nutritional status in South Asia: a synthesis of the literature", *Maternal & Child Nutrition*, 11 (1), PP 1-19.
- Gaard, G. (1993). "Living interconnections with animals and nature", *Ecofeminism: Women, animals, nature*, 1-12.
- Ghasemi, M., Badsar, M., Falahati, L., & Karamidehkordi, E. (2021). "The mediation effect of rural women empowerment between social factors and environment conservation (combination of empowerment and ecofeminist theories)", *Environment, Development and Sustainability*, 1-23.
- Gifford, R., & Nilsson, A. (2014). "Personal and social factors that influence pro-environmental concern and behaviour: A review", *International journal of psychology*, 49 (3), PP 141-157.

- Gilligan, C. (1993). *In a different voice: Psychological theory and women's development*. Harvard University Press.
- Givens, J. E., & Jorgenson, A. K. (2011). "The effects of affluence, economic development, and environmental degradation on environmental concern: A multilevel analysis." *Organization & Environment*, 24 (1), PP 74-91.
- Halim, N., Yount, K. M., Cunningham, S. A., & Pande, R. P. (2016). "Women's political empowerment and investments in primary schooling in India", *Social indicators research*, 125 (3), PP 813-851.
- Hamzah, S. (2013). *Pendidikan Lingkungan: Sekelumit Wawasan Pengantar*. Bandung: Refika Aditama.
- Huffman, K. T., Grossnickle, W. F., Cope, J. G., & Huffman, K. P. (1995). "Litter reduction: A review and integration of the literature", *Environment and Behavior*, 27 (2), PP 153-183.
- Kabeer, N. (1999). "Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment", *Development and change*, 30(3), PP 435-464.
- Kaiser, F. G., Oerke, B., & Bogner, F. X. (2007). "Behavior-based environmental attitude: Development of an instrument for adolescents", *Journal of environmental psychology*, 27 (3), PP 242-251.
- Kennedy, E., Krahn, H., & Krogman, N. T. (2015). "Are we counting what counts? A closer look at environmental concern, pro-environmental behaviour, and carbon footprint", *Local Environment*, 20 (2), PP 220-236.
- Krook, M. L. (2006). "Reforming representation: The diffusion of candidate gender quotas worldwide", *Politics & Gender*, 2 (3), PP 303-327.
- Krajhanzl, J. (2010). "Environmental and proenvironmental behavior", *School and Health*, 21(1), PP 251-274.
- Lenao, M., & Basupi, B. (2016). "Ecotourism development and female empowerment in Botswana: A review", *Tourism Management Perspectives*, 18, PP 51-58.
- Lv, Z., & Deng, C. (2019). "Does women's political empowerment matter for improving the environment? A heterogeneous dynamic panel analysis", *Sustainable Development*, 27(4), PP 603-612.
- Malhotra, A., Schuler, S. R., & Boender, C. (2002). *Measuring women's empowerment as a variable in international development*. In background paper prepared for the World Bank Workshop on Poverty and Gender: New Perspectives (Vol. 28).
- Mavisakalyan, A., & Tarverdi, Y. (2019). "Gender and climate change: Do female parliamentarians make difference?", *European Journal of Political Economy*, 56, PP 151-164.
- McCright, A. M. (2010). "The effects of gender on climate change knowledge and concern in the American public", *Population and Environment*, 32(1), PP 66-87.
- McCright, A. M., & Xiao, C. (2014). "Gender and environmental concern: Insights from recent work and for future research", *Society & Natural Resources*, 27(10), PP 1109-1113.
- McKinney, L. A., & Fulkerson, G. M. (2015). "Gender equality and climate justice: a cross-national analysis", *Social Justice Research*, 28 (3), PP 293-317.
- Mesmer-Magnus, J., Viswesvaran, C., & Wiernik, B. M. (2012). *The role of commitment in bridging the gap between organizational sustainability and*

- environmental sustainability*. In S. E. Jackson, D. S. Ones & S. Dilchert (Eds.), *The SIOP professional practice series. Managing human resources for environmental sustainability* (PP 155–186). San Francisco: Jossey-Bass.
- Mosedale, S. (2014). "Women's empowerment as a development goal: taking a feminist standpoint", *Journal of International Development*, 26(8), PP 1115-1125.
- Paloniemi, R., & Vainio, A. (2011). "Why do young people participate in environmental political action?", *Environmental Values*, 20(3), PP 397-416.
- Pratley, P. (2016). "Associations between quantitative measures of women's empowerment and access to care and health status for mothers and their children: a systematic review of evidence from the developing world", *Social Science & Medicine*, 169, PP 119-131.
- Ramstetter, L., & Habersack, F. (2020). "Do women make a difference? Analysing environmental attitudes and actions of Members of the European Parliament", *Environmental Politics*, 29 (6), PP 1063-1084.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2013). "Personally relevant climate change: The role of place attachment and local versus global message framing in engagement", *Environment and Behavior*, 45(1), PP 60-85.
- Seager, J., Bechtel, J., Bock, S., & Dankelman, I. E. M. (2016). *Global gender and environment outlook*. Nairobi, Kenya: United Nations Environment Programme (UNEP).
- Steg, L., & Vlek, C. (2009). "Encouraging pro-environmental behaviour: An integrative review and research agenda", *Journal of environmental psychology*, 29 (3), PP 309-317.
- Stern, P. C., Sovacool, B. K., & Dietz, T. (2016). "Towards a science of climate and energy choices", *Nature Climate Change*, 6 (6), PP 547-555.
- Sundstrom, A., Paxton, P., Wang, Y. T., & Lindberg, S. I. (2017). "Women's political empowerment: A new global index, 1900–2012", *World Development*, 94, PP 321-335.
- Swamy, A., Knack, S., Lee, Y., & Azfar, O. (2001). "Gender and corruption", *Journal of development economics*, 64(1), PP 25-55.
- Towns, A. E. (2010). *Women and states: Norms and hierarchies in international society*. Cambridge University Press.
- Tranter, B. (2011). "Political divisions over climate change and environmental issues in Australia", *Environmental Politics*, 20(1), PP 78-96.
- Vlek, C., & Steg, L. (2007). "Human behavior and environmental sustainability: problems, driving forces and research topics", *Journal of Social Issues*, 63, PP 1–19.
- Wallerstein, N. (2006). *What is the evidence on effectiveness of empowerment to improve health*. Copenhagen: WHO Regional Office for Europe, 37.
- Wood, W., & Eagly, A. H. (2012). *Biosocial construction of sex differences and similarities in behavior*. In *Advances in experimental social psychology* (Vol. 46, PP 55-123). Academic Press.
- Xiao, C., & McCright, A. M. (2015). "Gender differences in environmental concern: Revisiting the institutional trust hypothesis in the USA", *Environment and Behavior*, 47(1), PP 17-37.